

## بررسی و تحلیل ماهیت و کارکرد مجاز در مجازالقرآن ابوعبیده مَعْمَر بن مَثْنَى

نصرت نیلساز\*

هادی زینی ملک اباد\*\*

### چکیده

میراث مکتوب کهن سرشار از اطلاعاتی است که هسته اولیه شکل‌گیری علوم مختلف را روشن می‌سازد. مجازالقرآن ابوعبیده معمر بن مثنی، اثری از قرن دوم و از مهم‌ترین کتاب‌های حوزه پژوهش‌های ادبی و قرآنی است که تأثیر زیادی بر آثار بعدی گذاشته است. در این مقاله با تبیین جایگاه مجازالقرآن در میان تفاسیر و تحلیل مبانی مفسر، به تحلیل مفهوم مجاز و کارکردهای آن در این اثر پرداخته شده است. ابوعبیده در این کتاب با استناد به آیاتی که بر نزول قرآن به زبان عربی تأکید دارد یگانه راه تحلیل تنوع تعبیر و اسالیب بیانی در قرآن را توجه به اسالیب بیانی در زبان عربی می‌داند. وی شمار زیادی از این اسالیب را با صورت‌بندی «مِن مجاز ما...» در متن آورده و در مقدمه هم خلاصه‌ای از همه این موارد به دست داده شده است. دقت در کاربست تعبیر مجاز در این اثر نشان می‌دهد که مجاز در نظر ابوعبیده مانند پسینیان امری در تقابل با «حقیقت» نبوده است بلکه مراد از آن «انواع تعبیر و شیوه‌های بیان در آیات قرآن» است. از همین روست که وی پس از برشمردن ۳۶ نوع مجاز در قرآن می‌گوید «کلُّ هذا جائزٌ معروفٌ قد يتكلمون به» و برای اثبات این امر سرتاسر کتاب را از شواهد شعری و به میزان کم‌تری از شواهد نثر عربی آکنده ساخته است.

\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران (نویسنده مسئول)، nilsaz@modares.ac.ir  
\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، zeinih@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۸

**کلیدواژه‌ها:** مجاز القرآن، مجاز، ابوعبیده، قرآن، تفسیر

## ۱. مقدمه

تحقیق در منابع کهن یکی از بهترین راه‌های ممکن برای پی‌بردن به پاسخ بسیاری از پرسش‌هاست. زیرا بی‌شک علوم درگذر تاریخ دچار تغییر و تحولات زیادی شده‌اند و سرنخ بسیاری از ابهامات و پرسش‌ها دربارهٔ هستهٔ نخستین پیدایش دانش‌های مختلف در سرچشمه‌ها، یعنی همان منابع اولیه، نهفته است. مجازالقرآن ابوعبیده معمر بن مثنی، از عالمان برجستهٔ نیمهٔ دوم قرن دوم، از کتاب‌های مهم حوزه لغت و زبان قرآن است. در نگاه نخست، عنوان کتاب، «مجاز» در مقابل «حقیقت» را به ذهن متبادر می‌سازد، لیکن مجاز در این اثر دارای مفهومی متفاوت است. بررسی و واکاوی این کتاب به‌عنوان یکی از آثار کهن و برجسته با تحلیل برون‌متنی و درون‌متنی، علاوه بر این‌که روش مؤلف در تبیین زبان قرآن را می‌نمایاند، به فهم تطور معنای مجاز در سده‌های بعد نیز کمک می‌کند.

سؤال‌های اصلی این جستار عبارت‌اند از:

- مجازالقرآن در آثار تفسیری - لغوی متأخر چه جایگاهی داشته است؟

- مفهوم مجاز در نظر ابوعبیده چیست و انواع آن کدام است؟

در پیشینه پژوهش تنها می‌توان به مقاله «سبک ابوعبیده در کتاب مجازالقرآن»<sup>۱</sup> اشاره کرد که در آن صرفاً با رویکردی درون‌متنی به تبیین برخی از روش‌های تفسیری ابوعبیده پرداخته شده است.

## ۲. زندگی‌نامهٔ ابوعبیده

ابوعبیده معمر بن مثنی التیمی، دارای تباری ایرانی بوده و نسب تیمی ناشی از رابطهٔ ولاء وی با تیم قریش است نه تیم رباب (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۷۶). وی سبب طعن‌های وارده را اجداد یهودی‌اش دانسته است (ابن‌الانباری، ۱۴۰۵: ج ۱/ ۸۴؛ ابن‌خلکان، (بی‌تا): ج ۵/ ۲۳۵). اما به عقیدهٔ سزگین خرده‌گیری ابوعبیده از معاصرانش باعث شد که وی آماج نقدهای آن‌ها قرار گیرد (نک: ابوعبیده، (بی‌تا): مقدمه سزگین ج ۱/ ۱۴-۱۵). با این حال، پیشی گرفتن وی بر همتایان عرب در زمینه‌های مختلف علمی، در فضای منازعه بر سر مناقب و مثالب عرب و

عجم با توجه به اصالت ایرانی از یکسو و تبار یهودی از سوی دیگر نشان از تلاش و پشتکار ابو عبیده دارد.

در سال تولد ابو عبیده اختلافی میان مورخان نیست؛ زیرا مصادف با سال وفات حسن بصری است که در آن اتفاق نظر وجود دارد (ابن الأنباری، ۱۴۰۵: ج ۱/ ۶۸؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۸/ ۱۵۲)؛ اما تاریخ وفاتش سال ۲۰۸، ۲۰۹ (سیرافی، ۱۳۷۳: ج ۱/ ۵۳؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱/ ۲۷۲)، ۲۱۰ و ۲۱۱ (بکری، بی تا): ج ۵/ ۵؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷: ج ۵۴۰/ ۵؛ ابن العدیم، بی تا): ج ۷/ ۳۳۴۲ نقل شده است.

### ۳. وثاقت و مهارت‌های ابو عبیده

حوزه تخصص عالمان و میزان مهارت آن‌ها در هر زمینه را بر اساس شواهد گوناگون می‌توان شناسایی کرد، از جمله: توصیف عالمان متأخر؛ عناوین تألیفات؛ پیشگامی در تألیف آثار در یک حوزه؛ میزان استناد به آن‌ها در علوم مختلف. با توجه به این معیارها می‌توان گفت که ابو عبیده در نحو، لغت، اخبار، فقه، تفسیر و حدیث صاحب نظر بوده است. جاحظ (م ۲۵۵) درباره جامعیت علمی ابو عبیده می‌گوید: «لم یکن فی الأرض خارجی و لا جماعی أعلم بجمع العلم منه» (جاحظ، ۱۴۲۴: ج ۱/ ۲۸۰). خطیب بغدادی (م ۴۶۳) از او با تعابیری چون «الإمام العلامة البحر... النحوی» (خطیب بغدادی، ۱۹۸۴: ج ۱/ ۲۴۵)؛ حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷) به جایگاه منحصر به فرد او در ادب، نحو و غریب الحدیث اشاره کرده است (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ج ۲، ۱۲۰۳) و اسماعیل پاشا بغدادی (م ۱۳۹۹ق) از او به عنوان «الفقیه، اللغوی الأخباری» یاد کرده‌اند (البابانی بغدادی، بی تا): ج ۲/ ۴۶۶).

ابن ندیم ۱۰۵ کتاب در موضوعات مختلف به ابو عبیده نسبت داده است (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۷۷ و ۷۸). چهار کتاب در امثال، شش کتاب در نوادر، هفت کتاب درباره شعر و شاعران (المصدر السابق، ۹۷، ۹۹، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۳) و ۲۶ کتاب در لغت که عمدتاً تک‌نگاری‌هایی موضوعی هستند (المصدر السابق: ۱۱۳-۱۱۷). در میان آثار متعدد ابو عبیده تنها دو اثر در حوزه قرآن و حدیث است: مجازالقرآن و غریب الحدیث (المصدر السابق: ۱۱۷).

با توجه به شمار آثار ابو عبیده در حوزه لغت، همچنین کتاب‌های امثال و نوادر او که غالباً در راستای شناسایی سنت‌های زبانی مردم است، به نظر می‌رسد تخصص اصلی وی در حوزه لغت‌شناسی است.<sup>۳</sup> ابو عبیده یکی از آغازگران تدوین در زمینه اخبار عرب بوده و

به عنوان چهره شاخص در روایت اشعار و اخبار عرب شناخته می شده است. از این رو، اظهار نظرهای وی درباره معانی واژگان و تبیین ساختارهای عبارات برخاسته از تجربه زیستن با اعراب و آشنایی با فرهنگ عمومی آن هاست (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۶).

ابوعبیده در علم قرائات نیز دستی داشته (نک: ادامه مقاله) و از شاگردان ابوعمرین علاء دانسته شده است (سندی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۳۵). همچنین نام وی در سند روایتی منسوب به ابن عباس در شمارش سوره های مکی و مدنی آمده است (سیوطی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۳۹). ذکر این نکته ضروری است که حجم برخی از آثار ابوعبیده به دلیل این که از نخستین تألیفات و فاقد پیشینه بوده و پرسش ها در آن زمینه تنوع و کثرتی نداشته است، چندان زیاد نیست (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ج ۲/۱۲۰۳؛ أبوزهو، ۱۳۷۸: ج ۱/۴۷۵).

#### ۴. جایگاه مجازالقرآن در میراث مکتوب اسلامی تا قرن سوم

در عصر عباسی، تلاش برای توضیح واژگان و ساختارهای بیانی قرآن که به دلیل فاصله زمانی از وحی مشکل می نمود، آغاز شد. در نیمه دوم قرن دوم هجری، تفاسیر لغوی محض با عناوینی چون غریب القرآن، معانی القرآن، مشکل القرآن و مجازالقرآن نگاشته شدند. از عنوان مجازالقرآن تنها اثر ابوعبیده باقی مانده که در تکامل بعدی دانش تفسیر تأثیر بسزایی داشته است (سزگین، ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۳). برخی مجازالقرآن را اولین اثر برجای مانده از لغویان دانسته اند (ابن عساکر، ۱۴۰۲: ج ۲۱، ۱۹؛ داوودی، (بی تا)، ج ۲، ۴۰؛ عسکری، ۱۴۰۸: ج ۱، ۳۸۱؛ قلقشندی، (بی تا): ج ۱، ۴۷۸) و برخی نیز مجازالقرآن را نخستین اثری می دانند که در آن از علم بیان سخن گفته شده است (حبنکه المیدانی، ۱۴۱۶: ۱۲۵۲). ابوعبیده برای توضیح این دست مشکلات به اسالیب و کاربردهای مشابه در زبان عربی اعم از شواهدی از نثر یا اشعار کهن عربی استناد کرده است (سزگین، ۱۴۱۲: ج ۱/۲۹).

همه مفسران بعد از ابوعبیده که به مسائل زبانی قرآن، اعم از مسائل واژگانی یا ساختارهای بدیع قرآن در بیان مفاهیم پرداخته اند، در درجه نخست به مجازالقرآن استناد کرده اند (برای نمونه نک: ابن قتیبه، ۱۳۹۸: ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۳۳، ۴۸، ۷۰، ۲۰۷؛ زجاج، ۱۴۰۸: ج ۱، ۵۵، ج ۲، ۱۲۴، ۳۵۳؛ نحاس، ۱۴۲۱: ج ۱، ۳۷، ج ۲، ۲۴۵). حتی گفته شده معانی القرآن اخفش (م ۲۱۵) یا غریب القرآن ابوعبدالله یزیدی (م ۳۱۰) تنها تهذیب و تلخیص مجازالقرآن است (سزگین، ۱۴۱۲: ج ۸، ۱۳۶، ۳۱۱) سایر مفسران نیز از دیرباز تا کنون به کتاب مجازالقرآن استناد کرده اند و کمتر تفسیری را می توان یافت که از آن بی نیاز بوده باشد.<sup>۴</sup>

در این میان اشارات طبری به وی در جامع البیان گونه‌گون و شایان توجه است: طبری گاه با تعبیر مبهم اما ستایش‌آمیز «...مقدم فی العلم بلغة العرب» (طبری، ۱۴۲۰: ج ۱/ ۱۱۹) و گاه با تعبیرهای تند و گزنده مانند «من ضعفته معرفته بتأویل اهل التأویل» (المصدر السابق: ج ۱/ ۱۳۲)؛ یا «جهلاً منه بتأویل الكلمة، واجترأ علی ترجمة القرآن برأیه» (المصدر السابق: ج ۶/ ۳۷۴) از او یاد کرده است.<sup>۵</sup> اما گاه که در سندی نام ابو عبیده وجود داشته و یا نظرش موافق نظر ابو عبیده بوده به‌عنوان مفسر از وی یاد کرده و ابتدا نظر وی و در ادامه نظرات دیگران را آورده است (المصدر السابق: ج ۱۶، ۳۱، ۷۰).<sup>۶</sup>

تنها مفسران به مجازالقرآن استناد نکرده‌اند بلکه محدثانی هم که در کتاب‌های حدیثی خود بابتی را به تفسیر قرآن اختصاص داده‌اند از آن بی‌نیاز نبوده‌اند. بر اساس تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی در معجم غریب القرآن مستخرجاً من صحیح البخاری تأثیرپذیری بخاری از مجازالقرآن در موارد فراوانی اثبات شده است (نک: سزگین، ۱۴۱۲: ج ۱، ۶۷، ۲۲۱، ۲۲۲). این امر نشان می‌دهد که از نظر بخاری مجازالقرآن اثری منحصر به فرد بوده و وثاقت داشته است (المصدر السابق: ج ۱/ ۱۱۲).

بنابراین، اگر به مجازالقرآن از زوایای مختلف نگریسته شود با حوزه‌های مختلف علوم اسلامی عربی پیوند می‌یابد و امین خولی به‌درستی آن را یکی مهم‌ترین آثار فرهنگ اسلامی خوانده است (نک: ابو عبیده، تقریظ خولی بر چاپ سزگین ج ۵، ۱-۷). این اثر از آن جهت که معنای شمار زیادی از واژگان قرآن در آن تبیین شده است در زمره کهن‌ترین آثار غریب-القرآن یا مفردات قرآن و حتی واژه‌شناسی عرب به معنای عام می‌گنجد و از همین منظر درحوزه تفاسیر لغوی قرآن هم جای می‌گیرد. از سوی دیگر به دلیل پرداختن به اسالیب بیانی و ساختارهای ادبی متنوع قرآن در انتقال مفاهیم، در حوزه علم بیان، بلاغت و سبک-شناسی قرار می‌گیرد. و به‌این ترتیب هم با مسئله مهم اعجاز قرآن پیوند می‌یابد و هم یکی از تفاسیر ادبی تلقی می‌شود.

## ۵. تحلیل متن مجازالقرآن

مجازالقرآن در دو جلد و در مجموع ۹۲۴ صفحه با تحقیق و تصحیح فؤاد سزگین، مقدمه-ای از سزگین و یادداشتی از امین خولی، در سال ۱۳۸۱ق چاپ شده است.

سزگین در مقدمه‌ای نسبتاً طولانی اطلاعاتی درباره ابو عبیده، اساتید، جایگاه علمی وی در نظر معاصرانش، تعدد آثار و انگیزه وی از تألیف مجازالقرآن و تأثیر آن بر آثار بعدی به

دست داده است. وی طرق مختلف راویان مجازالقرآن را ذکر و از ۵ نسخه خطی مختلفی که در تصحیح مجازالقرآن از آن‌ها استفاده کرده، نام برده است. همچنین به تفصیل و در ۱۷ صفحه به منابع استفاده شده در این تصحیح اشاره کرده است. (ابوعبیده، بی تا)، مقدمه سزگین ج ۱، ۲۹-۴۶).

## ۱.۵ ساختار مجازالقرآن

مجازالقرآن شامل دو مقدمه و سپس توضیح واژگان دشوار و ساختارهای زبانی بدیع قرآن به ترتیب سوره‌های قرآن است. ظاهراً در یکی از نسخه‌ها به دلیل اشتباه نسخه‌بردار، ترتیب آیات به صورت دقیق رعایت نشده است (ابوعبیده، بی تا): مقدمه، ص ۲۱؛ برخی عناوین سوره‌ها در مجازالقرآن با مصحف کنونی تفاوت دارد. از میان ۳۰ مورد اختلافی، در ۲۶ مورد ابوعبیده نام سوره را بر اساس نخستین عبارت سوره انتخاب کرده است؛<sup>۷</sup> تنها در ۴ سوره<sup>۸</sup> فاتحه، اسراء، فاطر و غافر تفاوت نام‌ها، با توجه به توضیح ابوعبیده در مورد نام‌های مختلف فاتحه‌الکتاب در مقدمه نخست، احتمالاً مبتنی بر اخبار و روایات است.

ابوعبیده در مقدمه نخست (صص ۱-۷) به تبیین وجه تسمیه قرآن، سوره و آیه پرداخته و با ذکر این نکته که سوره‌های قرآن اسامی مختلفی دارند، به عنوان نمونه به اسامی مختلف سوره مبارکه حمد اشاره کرده است. در ادامه برخی از اصطلاحات در تقسیم‌بندی سوره‌ها مانند «مثنی»، «مثنی» و «سبع طوال» را با برشمردن مصادیق آن‌ها توضیح داده است.

مقدمه دوم دو بخش دارد که با بسمله از هم جدا شده‌اند. در بخش نخست (صص ۸-۱۶) به مباحثی چون تأکید بر نزول قرآن به زبان عربی در قرآن و علت دشوار نبودن معانی قرآن برای معاصران پیامبر سخن گفته شده است و سپس ۳۶ نوع مجاز در قرآن برشمرده شده است. در بخش دوم (صص ۱۶-۱۹) ضمن اشاره به بحث وجود یا عدم وجود واژگان بیگانه در قرآن برخی نکات از مقدمه نخست و تعدادی از انواع مجاز آورده شده است.

## ۲.۵ مبانی تفسیری ابوعبیده

شناخت مبانی هر مؤلف در ارزیابی روش تفسیری و منظور وی از برخی از اصطلاحات اثرگذار است؛ مبانی ابوعبیده به روشنی بیانگر تلقی تفسیری وی از اصطلاح «مجاز» است.

## ۱.۲.۵ نزول قرآن به زبان عربی و اسالیب بیانی آن

نخستین مبنای تفسیری ابو عبیده را در بخش اول مقدمه دوم می‌توان یافت. وی با تأکید بر آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ» (ابراهیم/۴) به این نکته اشاره دارد که نزدیکان به زمان پیامبر به سبب درک حضرت و نزول وحی، در فهم معنای قرآن با مشکل و دشواری مواجه نمی‌شدند زیرا زبان آن‌ها عربی بود و به دلیل علم به عربی از پرسش درباره معانی قرآن و نیز وجوه گوناگون و تلخیص‌هایی که در قرآن است و همه در کلام عرب مشابه دارد بی‌نیاز بودند. (ابو عبیده، (بی‌تا): ج ۱، ۸). تعبیر مهم «و فی القرآن مثل ما فی کلام العربی من وجوه الاعراب، ومن الغریب، والمعانی» به روشنی مبنای تفسیری ابو عبیده را نشان می‌دهد و آن نزول قرآن بر اساس اسالیب بیانی عرب است. از همین روست که ابو عبیده در مجازالقرآن به پشتوانه آگاهی به اخبار عرب به‌طور گسترده، پیشینه‌ها و ژگان را در فرهنگ جاهلی، اشعار و امثال جستجو می‌کند. شمار زیاد استشهاد وی به اشعار شاعران عرب که از بیان انگیزه تألیف کتاب آغاز می‌شود و در سراسر کتاب به فراوانی دیده می‌شود، همه برآمده از این مبناست.

## ۲.۲.۵ نظریه توافقی زبان‌ها در مسئله وجود واژگان بیگانه در قرآن

در بخش دوم مقدمه دوم، ابو عبیده با استناد به این که قرآن به زبان عربی مبین است، می‌گوید پندار وجود واژگان غیرعربی در قرآن، سخنی بزرگ است. اما با توجه به تبار ایرانی، وی به‌خوبی آگاه بود که مشابه برخی از واژگان قرآن مانند استبرق، در زبان فارسی وجود دارد. او در این باره نظری می‌دهد که بعدها به «نظریه توافقی زبان‌ها» مشهور شد.

نظریه توافقی زبان‌ها بر اساس سیر تاریخی پیدایش از سوی شافعی (م ۲۰۴)، ابو عبیده و سپس طبری (م ۳۱۰) با اختلاف ظریفی مطرح شده است. شافعی با رد نظر باورمندان به وجود واژگان بیگانه در قرآن، با استناد به آیاتی که از نزول قرآن به زبان عربی مبین سخن گفته است، وجود واژگان مشترک در دو زبان را مطرح می‌کند و سه بار از صیغه‌های گوناگون ریشه «وفق» (که نام این نظریه هم مأخوذ از آن است) استفاده می‌کند. اما تأکید می‌کند که در این زمینه عجم‌ها از زبان عرب‌ها تبعیت کرده‌اند. (نک: نیل‌ساز، ۱۳۹۳: ۲۵۲). ابو عبیده هم مانند شافعی با تأکید بر نزول قرآن به زبان عربی مبین از این ریشه (وفق) در بیان نظر خود استفاده کرده و می‌گوید: «فمن زعم أنه فيه غير العربية فقد اعظم القول، و من زعم أن «طه» بالنبطية فقد اكبر... . وقد يوافق اللفظُ اللفظَ ويقاربه ومعناهما واحد، وأحدها

بالعریبه والآخر بالفارسیه او غیرها». وی در همین مقدمه، فارسی نامیدن «سجیل» را هم نادرست می‌داند؛ اما از این که آن را «سنگ و گل» دانسته‌اند هم خبر می‌دهد. اما در سوره فیل بدون اشاره به این بحث یا این شباهت فقط می‌نویسد: «سجیل: هو کل شیء شدید» (ابوعبیده، بی تا: ج ۳۱۲/۲) و ابلیس را هم عجمی می‌داند (المصدر السابق: ج ۱، ۳۸).

طبری نظریه توافق زبان‌ها را بسط داده و با تأکید بر این که اعتقاد به وجود واژگان بیگانه در قرآن منافاتی با عربی بودن آن‌ها ندارد، به وجود واژگان مشترک در دو زبان اشاره نموده و در توافق زبان‌ها، یک زبان را بر زبان دیگر مقدم ندانسته و بر این باور است که وقتی یک واژه به یک صورت و معنا در دو زبان به کار می‌رود انتساب آن به هر یک از دو زبان بدون نفی انتساب آن به زبان دیگر صحیح است (نک: نیل‌ساز، ۱۳۹۳: ۲۵۲-۲۵۶).

### ۳.۵ مفهوم مجاز در نظرگاه ابو عبیده

بررسی کتاب ابو عبیده و مقایسه آن با آثار بعدی نشان می‌دهد که مجاز در نظر وی با مجاز به معنای یک اصطلاح در علم بیان متفاوت است. جاحظ نخستین کسی است که مجاز به معنای اصطلاح علم بیان را به کار برده است، وی در الحیوان بابی را به مجاز و تشبیه اختصاص داده است و مراد وی از مجاز آن چیزی است که در مقابل حقیقت قرار دارد (نک: جاحظ، ۱۴۲۴: ج ۵، ۱۱). مروری اجمالی بر کتاب تلخیص البیان عن مجازات القرآن هم نشان می‌دهد که مراد سیدرضی از مجاز، اصطلاح موجود در علم بیان است (نک: شریف الرضی، ۱۴۰۶، مقدمه ۶، ۲۳، ۳۰، ۴۷). ابن تیمیه ابو عبیده را نخستین کسی می‌داند که مجاز را به معنای لغوی، «یجوز فی اللغة» دانسته که منظور از آن همان انواع تعبیر و مراد آیه است (ابن تیمیه، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۸۹؛ همو، ۱۴۱۶: ۷۴).

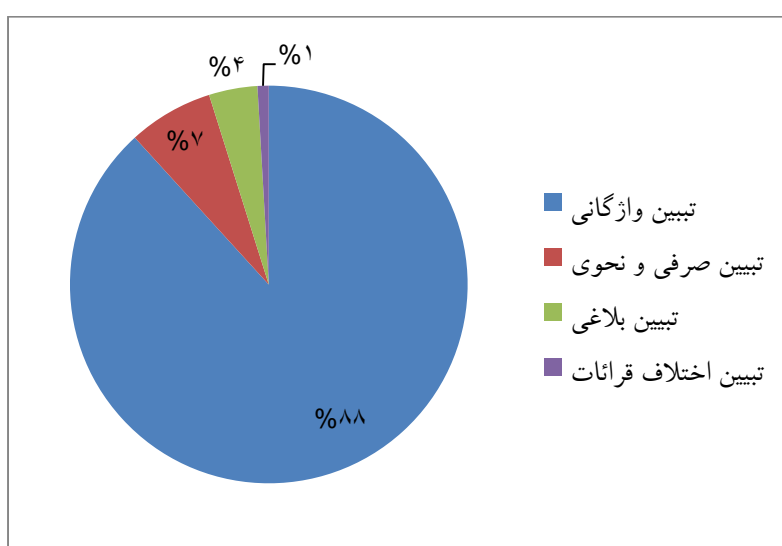
### ۴.۵ انواع مجاز در قرآن از نظر ابو عبیده

ابو عبیده در مجازالقرآن علاوه بر تبیین واژگان، ۳۶ ساختار بیانی قرآن را در مقدمه دوم آورده است. این موارد استقصای تام شده و نمودار فراوانی آن در جدول زیر آمده است.

فراوانی	نوع زبان مجازی	تحلیل متن مجازالقرآن
۲۵۱۰	تبیین واژگانی	تبیین واژگان



۱۹۷	تبیین صرفی و نحوی	۳۶ نوع ساختار بیانی
۱۱۲	تبیین بلاغی	
۲۶	تبیین اختلاف قرائات	



#### ۱.۴.۵ تبیین واژگان

بیشترین بخش مجازالقرآن به تبیین واژگان اختصاص داده شده است. این تبیین به شیوه‌های گوناگون صورت گرفته و به همین دلیل به‌رغم ساختار به ظاهر یکنواخت کتاب، خواندن آن ملال‌آور نیست. ابو عبیده با استفاده از تعبیری مقدماتی چون «مجازه»، «معناه»، «تفسیره»، «فی معنی»، «أی» و گاهی بدون آوردن هیچ تعبیری، معنای واژگان دشوار را بیان کرده است. برای مثال در توضیح «هدی» در عبارت «هدی للمتقین» (بقره/۲) با تعبیر «أی» می‌گوید: «هدی للمتقین أی بیاناً للمتقین» (ابو عبیده، بی‌تا: ج ۱/ ۲۹) و «مرض» را شک و نفاق دانسته است: «فی قلوبهم مرض أی شک و نفاق» (المصدر السابق: ج ۱/ ۳۲). در تبیین معنای تأویل (اعراف/۷) می‌گوید: «التأویل: التفسیر و المرجع: مصیره» (المصدر السابق: ج ۱/ ۸۷) و در معنای «کلاله» (نساء/۱۲) با به کارگیری تعبیر «عندالعرب» می‌نویسد: «کلاله: کل من لم يرثه

أب أو ابن و اخ فهو عند العرب كلاله» (المصدر السابق: ج ۱ / ۱۱۸). در بیان معنای «الرجز» (اعراف/۱۳۵) با استفاده از تعبیر «مجازه» آورده است: «الرجز مجازة العذاب» (المصدر السابق: ج ۱ / ۲۲۷)

وی «ظن» را از واژه‌های اضداد برشمرده است و در نخستین کاربرد «ظن» در سوره مبارکه بقره «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» (بقره/۴۶) می‌گوید: «معناها: يوقنون، فالظن على وجهين: يقين، و شك» (المصدر السابق: ج ۱ / ۳۹). از تمامی ۵۷ بار کاربرد مشتقات «ظن» در قرآن علاوه بر مورد پیش گفته تنها در «إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ» (بقره/۲۳۰) می‌گوید «أى أيقنا» (المصدر السابق: ج ۱ / ۷۴) و در «يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ» (بقره/۲۴۹) می‌گوید: «يوقنون» (المصدر السابق: ج ۱، ۷۷). همچنین در «وَظَنَّ دَاوُدُ» (ص/۲۴) می‌گوید «أى أيقن» (المصدر السابق: ج ۱۸۱/۲) اما در سایر موارد اظهار نظری در مورد معنای «ظن» و دلالت آن بر یقین یا شک نکرده است.

ابوعبیده یکی از انواع مجاز را دلالت لفظ بر معانی متعدد دانسته و می‌گوید در این دست موارد واژه به دو معنا یا بیشتر تفسیر شده است مثلاً در آیه شریفه «وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ» (قلم/۲۵) برای «حَرْدٍ»، معانی مختلفی بیان شده است: «على قصد»، «على منع»، «على غضب و حقد» (المصدر السابق: ج ۱ / ۱۳؛ ج ۲ / ۲۶۵).

#### ۲.۴.۵ مجاز در نکات صرفی و نحوی<sup>۹</sup>

تبیین نکات صرفی و نحوی، نشان‌دهنده مهارت ابوعبیده در این دانش زبانی است. برخی از مواردی که وی به‌عنوان مجاز در قرآن برشمرده است مربوط به نکات صرفی و نحوی است که با توجه به معیارهای مختلف در تقسیم‌بندی‌هایی که در ادامه می‌آید، قرار می‌گیرند:

۱. انواع مجاز در موارد مربوط به دلالت لفظ از نظر مفرد یا جمع بودن

الف) دلالت لفظ واحد بر معنای جمع

یکی از انواع مجاز از نگاه ابوعبیده به کار رفتن لفظ واحد (ی که صیغه جمع هم دارد) در معنای جمع است مانند «رفیقاً» در «وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/۶۹) که در معنای رفقاء است (المصدر السابق: ج ۱ / ۱۳۱). و «طفلاً» در «يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً» (حج/۵) که به معنای أطفالاً است (المصدر السابق: ج ۲ / ۴۴).

ب) دلالت لفظ جمع بر مفرد یا مثنی

یکی دیگر از انواع مجاز به کار رفتن لفظ جمعی (که واحد هم دارد) به جای مفرد یا مثنی است

در آیه «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ» (آل عمران/۱۷۳) واژه «ناس» جمع است، اما گوینده تنها یک فرد است، یا در آیه «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» از ضمیر جمع در «إِنَّا» استفاده شده است؛ اما خالق خدایی است که شریکی ندارد (المصدر السابق: ج ۱/ ۹).

ج) دلالت لفظ جمع بر مثنی

مانند مورد قبل است با این تفاوت که لفظ جمع بر مثنی دلالت دارد مثلاً در آیات «فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ» (نساء/۱۱)، «إِخْوَةٌ» جمع است، اما بر دو تن دلالت دارد (المصدر السابق: ج ۱/ ۱۱۸). در «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده/۳۸)، «أَيْدِيَهُمَا» جمع است و به جای مثنی (یدیها) به کار رفته است (المصدر السابق: ج ۱/ ۱۰).

د) لفظی که مفرد، مثنی و جمع آن یکسان است

مانند لفظ «حصید» در «حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ»<sup>۱۰</sup> (المصدر السابق: ج ۲/ ۳۶) و لفظ «مَن» در «وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ»<sup>۱۱</sup> (المصدر السابق: ج ۲/ ۴۱) و «أَحَدٌ» در «فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ»<sup>۱۲</sup> (المصدر السابق: ج ۲/ ۲۶۸) که مفرد، مثنی، جمع و مذکر و مؤنث آن یکسان است.

۲. انواع مجاز در موارد مربوط به مفرد، مثنی یا جمع آمدن خبر

برخی از انواع مجازی که ابو عبیده بر شمرده است راجع به عدم تطابق خبر از نظر مفرد، مثنی یا جمع بودن با مبتداست که خود انواعی دارد مانند

الف) آمدن خبر جمع با لفظ واحد (مفرد)

در آیه «وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (تحریم/۴) «ملائکه» جمع اما «ظهير» مفرد است که در معنای جمع، یعنی «ظهراء»، به کار رفته است (المصدر السابق: ج ۱/ ۹).

ب) آمدن خبر مثنی با لفظ جمع

در عبارت «أَتَيْنَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتْنا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت/۱۱) با وجود این که از «سما» و «ارض» سخن گفته شده و فعل «قالتنا» مثنی آمده، اما «طائعين» به صورت جمع آمده است (المصدر السابق: ج ۲/ ۱۹۶).

ج) آمدن خبر مثنی برای دو اسم جمع و مفرد معطوف به هم

یکی از انواع مجاز در خبر آن است که برای اسم جمع و مفردی که به آن عطف شده، خبر به صورت مثنی بیاید. در این حالت گویی لفظ جمع، مفرد تلقی و با لفظ واحد دیگر

در حکم مثنی دانسته شده است مانند: «أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» (المصدر السابق: ج ۱ / ۱۰).

د) آمدن خبر برای یکی از موارد ذکر شده به عنوان مبتدا

یکی از انواع مجاز در خبر آن است که دو چیز یا بیش تر ذکر شود اما خبر فقط درباره یکی بیاید و سایر موارد در نظر گرفته نشود. این مجاز خود بر دو نوع است گاه خبر برای اسم اول می آید مثلاً در آیه «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا» (جمعه/۱۱) خبر برای تجاره آمده است به دلیل ضمیر ها در إليها (المصدر السابق: ج ۱/۱؛ ج ۲/۲۵۸).

اما گاه خبر برای اسم دوم می آید مثلاً در «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه/۳۴) خبر برای اسم دوم یعنی «الْفِضَّةَ» آمده به دلیل ضمیر «ها» در «لَا يَنْفِقُونَهَا» (المصدر السابق: ج ۱/۲۵۷). در آیه «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا» (نساء/۱۱۲) نیز خبر برای اسم دوم آمده است به دلیل این که مرجع ضمیر در «به» اثم است نه خطیئه. (المصدر السابق: ج ۱/۱۳۹).

۳. انواع مجاز در موارد مربوط به مذکر یا مؤنث بودن واژگان

یکی از انواع مجازی که ابو عبیده بر شمرده مربوط به نحوه تعامل با واژگان از نظر مذکر یا مؤنث بودن است که خود بر دو نوع است:

الف) تعامل به هر دو صورت مؤنث و مذکر

با برخی از واژه‌ها، گاه به صورت مؤنث و گاه به صورت مذکر تعامل شده است مثلاً در آیه «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (نحل/۶۶) ضمیر «ه» در «تَتَّقُونَ» نشانه تعامل مذکر با «انعام» دارد (المصدر السابق: ج ۱/۳۶۲) اما در آیات متعدد مؤنث شمرده شده است مانند «هذه انعام» (انعام/۱۳۸، ۱۳۹) یا «والانعام خلقها» (نحل/۵). در «كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ» (شعراء/۱۰۵) نیز قوم مؤنث در نظر گرفته شده (المصدر السابق: ج ۲/۸۷) به دلیل فعل «كذبت» در حالی که در اکثر موارد در قرآن مذکر تلقی شده است.

ب) تعامل با لفظ مؤنث به مثابه مذکر

در قرآن برخی الفاظ به ظاهر مؤنث، مذکر تلقی شده‌اند. در این موارد ابو عبیده می گوید ظاهر مؤنث مراد نیست و باید معنایی مذکر را در نظر گرفت. مثلاً در توضیح مؤنث نیامدن خبر «السماء» در «السماءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ» با استناد به کلامی از عرب «هذا سماء البيت» منظور از «سماء» را «سقف» و مذکر بودن خبر را ناظر به معنا دانسته است (المصدر السابق: ج ۲/۲۷۴).

۴. انواع مجاز در ادوات

چند نوع از انواع مجازی که ابوعبیده برشمرده مربوط به نحوه کاربرد ادوات و حروف در قرآن است:

#### الف) حروف زائد

ابوعبیده در مقدمه با عبارت «ومن مجاز ما یزاد فی الکلام من حروف الزوائد» برخی از این ادوات را زائد دانسته است و با ذکر پنج آیه از جمله آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً» (بقره/۲۶) و «مَا مَنَعَكَ آلَا تَسْجُدَ» (اعراف/۱۲) در پایان می‌گوید «مجاز هذا أجمع الفأوهن» (المصدر السابق: ج ۱/۱۲). اما در متن کتاب معلوم می‌شود که منظور وی از زائده خواندن این حروف آن نیست که هیچ معنایی را افاده نمی‌کند بلکه صریحاً می‌گوید عرب این ادوات را برای تأکید و ایجاب به کار می‌برد. وی در توضیح آیه ۲۶ بقره می‌نویسد: «ما توکید للکلام من حروف الزوائد» (المصدر السابق: ج ۱/۳۵) و در توضیح آیه ۱۲ اعراف آورده است: «مجازه ما منعک ان تسجد، والعرب تضع لا فی موضع الايجاب و هی من حروف الزوائد» (المصدر السابق: ج ۱/۲۱۱).

#### ب) کار بست ادوات در معانی مختلف<sup>۱۳</sup>

برخی از ادوات دارای معانی متعددی هستند و باید به معنای خاص آنها در هر یک از موارد کاربرد توجه کرد مثلاً در «أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا» (بقره/۲۶) «فوق» به معنای «دون» است (المصدر السابق: ج ۱/۱۴). این عدول معنایی برای جلوگیری از توهّم لحن در قرآن است، زیرا آیه، در مقام بیان کوچکی، یعنی بالاتر از پشه از نظر کوچکی، است. ابن قتیبه در تأویل مشکل القرآن اشاره کرده که عدم تبیین معنای «فوق» به «دون»، موجب فهم نادرست و مخالف بلاغت است (ابن قتیبه، بی‌تا: ۱۲۱) و در غریب القرآن صراحتاً این تفسیر را به ابوعبیده نسبت می‌دهد (ابن قتیبه، ۱۳۹۸: ۴۴).

ابوعبیده حرف «أم» در «هذه الأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ» (زخرف/۵۱) را به معنای «بَل» (نک: ابوعبیده، بی‌تا: ج ۱/۲۰۴) و «فی» در «وَأَصْلَبْنَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ» (طه/۷۱) را به معنای «علی» می‌داند (المصدر السابق: ج ۲/۲۳).

#### ج) آوردن یا حذف ادوات

یکی از انواع مجاز در کلام عرب آوردن یا حذف ادوات با برخی از الفاظ است. حال گاه آن لفظ فقط با یکی از حروف اضافه به کار می‌رود مثلاً ابوعبیده معنای آیه «وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطففین/۳) را «كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ» دانسته است (المصدر السابق: ج ۲/۲۸۹)؛ یا این که لفظ سه گونه به کار می‌رود: بدون حرف اضافه و با

دو حرف اضافه مثلاً در «اهدنا الصراط المستقیم» (حمد/۵) الصراط بدون حرف اضافه به کار رفته اما با دو حرف «الی» و «ل» هم به کار می‌رود.

### ۳.۴.۵ گونه‌های علوم بلاغی<sup>۱۴</sup>

در زمان ابو عبیده قواعد بلاغی در قالب اصطلاحات مختلف تبیین نشده بود، اما بر اساس تعابیر ابو عبیده و مصادیقی که وی از آیات قرآن بر شمرده است و مقایسه آن با اصطلاحات بلاغی می‌توان به رابطه تعابیر وی با تطور علم بلاغت دست یافت. می‌دانیم که بلاغت و بیان از نخستین وجوه اعجاز قرآن هم بوده است بنابراین از یک سو اهل بلاغت و از سوی اعجاز‌پژوهان و ام‌دار ابو عبیده هستند.

به عنوان نمونه احمد یاسوف در بخشی از کتاب *دراسات فنیة فی القرآن الکریم* تحت عنوان «تشخیص تک‌واژه نزد گذشتگان» به مناسبت سخن از قاعده استعاره تشخیصیه، به جایگاه علوم بلاغی نزد ابو عبیده اشاره کرده و با استناد به این تعبیر ابو عبیده که «و من المجاز ما جاء من لفظ خبر الحيوان و الموات علی لفظ خبر الناس»، می‌گوید: «اولین اشارات در مورد مفهوم تشخیص را باید در اثر ابو عبیده جست. وی در این زمینه پیشگام است و هیچیک از اعجاز‌پژوهان این اصطلاح را به کار نبرده‌اند. مجاز نزد ابو عبیده شامل حذف، ایجاز، تشبیه، استعاره و ... است. شاید وی نامی بر آن چه از آن سخن می‌گوید و مثال‌هایی که به عنوان تشخیص [و سایر اصطلاحات بلاغت] می‌آورد ننهاده باشد، اما روشن است که این تعریف و تبیین وی از تعریف جدید اصطلاح تشخیص چیزی کم ندارد.» (نک: یاسوف، ۱۴۲۷: ۱۴۹).

در میان ساختارهای زبان عربی که ابو عبیده در مقدمه دوم بر شمرده است مواردی که در پی می‌آید بعدها از فنون بلاغی شمرده شد:

#### ۱. انواع مجاز مضمّر

چهار نوع از انواع مجازی که ابو عبیده آورده است مبتنی بر این است که اگرچه عبارت مختصر یا لفظی حذف شده و یا خبر نیامده است، معنا در عبارت پنهان (مضمّر) است.

#### الف) مجاز اختصار (حذف فعل)

ابو عبیده با تعبیر «من مجاز ما اختصر و فیه مضمّر» از آیاتی یاد می‌کند که در معنای آنها یک فعل در تقدیر گرفته می‌شود مثلاً در آیه «وَ أَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَ اصْبِرُوا...» (ص/۶) فعلی مانند «تواصو» یا «تنادوا» یا مانند آن می‌توان بعد از «منهم» در نظر گرفت که برای

اختصار حذف شده است (ابوعبیده، بی تا): ج ۸ / ۱. یا در آیه «مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا» (بقره/۲۶) نیز بعد از «مثلاً»، «قل یا محمد» برای اختصار حذف شده است (المصدر السابق: ج ۳۴/۱).

(ب) مجاز حذف (مضاف)

یکی دیگر از انواع مجاز مضمَر را با تعبیر «من مجاز ما حذف و فيه مضمَر» نام برده است. در نمونه‌هایی که ابوعبیده آورده مضاف حذف شده است. مثلاً در آیه «وَسُئِلَ الْقُرَيْبَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا» (یوسف/۸۲) «أَهْلُ الْقُرَيْبَةِ» (المصدر السابق: ج ۸ / ۱) و در «وَأُشْرُبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ» (بقره/۹۳) «حَبَّ الْعِجْلِ» مراد بوده است (المصدر السابق: ج ۴۷ / ۱).

(ج) مجاز حذف خبر یا مبتدا

یکی از انواع مجاز مضمَر حذف خبر به دلیل لازم نبودن ذکر آن به دلیل پنهان بودن معنا در عبارت‌های آمده در متن است. نمونه‌ای از این دست حذف خبر در آیه «حَتَّى إِذَا جَاؤَهَا فَتَحَتْ أَبْوَابَهَا» (زمر/۷۱) است (ابوعبیده، بی تا): ج ۱۹۲/۲. نمونه‌ای دیگر بسم الله است که ابوعبیده با دو نوع تقدیر، مبتدا یا خبر را در آن مضمَر می‌داند و ذکر آنها را لازم نمی‌داند. این دو تقدیر به ترتیب عبارت از: «هذا بسم الله» یا «بسم الله قبل كل شيء و اول كل شيء» است (المصدر السابق: ج ۱۲/۱، ۲۰).

۲. مجاز حمل ویژگی‌های عقلاء بر حیوان و اشیاء

یکی از انواع مجاز از نظر ابوعبیده عبارت است «ما جاء من لفظ خبر الحيوان و الموات على لفظ خبر الناس». در آیه «رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» (یوسف/۴) به کار رفتن ضمیر «هم» و تعبیر «ساجدین» برای اجرام آسمانی از این باب است. نمونه دیگر از این نوع مجاز در آیه «أَتَيْنَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت/۱۱) است که افعال انسانی مانند «قالتا» و «طائعين» به آسمان و زمین نسبت داده شده است و ابوعبیده در توضیح آن می‌گوید: «هذا مجاز الموات و الحيوان الذی يشبهه تقدیر فعله بفعل الآدميين» (المصدر السابق: ج ۱۰ / ۱، ج ۱۹۶ / ۲).

۳. مجاز در آوردن خبر برای اسمی مثنی و صدق خبر بر یکی از آن دو

گاه خبری برای اسم مثنایی که از بعضی جهات شبیه و از بعضی جهات دیگر متفاوتند می‌آید که آن خبر فقط بر یکی از آن دو صادق است اما به دلیل وجه اشتراک، خبر به هر دو اسناد داده می‌شود مثلاً در آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» (الرحمن/۱۹) «البحرين» اسمی مثنی است و در آیه ۲۲ خبری آمده است «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْؤُ وَ الْمَرْجَانُ» که فقط بر یکی از آن دو

صدق می‌کند زیرا مروارید و مرجان فقط از دریای آب شور به دست می‌آید و نه از آب شیرین. (نک: المصدر السابق: ج ۲/۲۴۳)

#### ۴. مجاز در خطاب

یکی از فنون مهم بلاغی به کار بستن اسالیب مختلف در خطاب است. ابو عبیده سه نوع مجاز را در این قسم جای داده است که دو نوع آن بعدها التفات نامیده شد.

الف) عدم مطابقت ظاهر و معنا در خطاب

نوع نخست آن است که ظاهر کلام، خطاب به غایب باشد اما معنای آن، خطاب به شاهد (مخاطب) باشد. مثلاً در آیه «ذلک الکتاب» (بقره/۲) معنا «هذا القرآن» است.

مجاز تغییر خطاب از شاهد به غایب (التفات از مخاطب به غایب)

گاه کلام ابتدا با خطاب به حاضر آغاز می‌شود و سپس رو به غایب می‌کند. در آیه «حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَ جَرَيْنَ بِهِمْ» (یونس/۲۲) التفات از خطاب (کنتم) به غیبت (جرین بهم) صورت گرفته است (المصدر السابق، ج ۱/۱۱)

مجاز تغییر خطاب از غایب به شاهد (التفات از غایب به مخاطب)

نمونه‌ای از این مجاز که خلاف نوع قبل است در آیه «ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ» (قیامه/۳۳-۳۴) دیده می‌شود که خطاب از غایب (ذَهَبَ) به مخاطب (أُولَىٰ لَكَ) تغییر یافته است (المصدر السابق: ج ۲/۲۷۹).

#### ۵. مجاز تأکید (تکرار)

در زبان عربی گاهی به سبب قاعده بلاغی تأکید، لفظ تکرار می‌شود. در آیه «رَأَيْتُ أَحَدًا عَشَرَ كَوْكِبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» (یوسف/۴)، فعل «رَأَى» و در آیه «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» (بقره/۱۹۶) عدد تکرار شده است (المصدر السابق، ج ۱/۷۰)

#### ۶. مجاز مقدم و مؤخر

یکی از فنون بلاغی تقدیم و تأخیر در کلام است که ابو عبیده با تعبیر «مجاز المقدم و المؤخر» از آن نام برده است. مثلاً «لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا» (نور/۴۰) یعنی «لم يرها ولم يكد» (ابو عبیده، بی تا: ج ۲/۶۷). زمخشری نیز به طور ضمنی به تقدیم و تأخیر در آیه اشاره می‌کند و حاصل این تقدیم و تأخیر را مبالغه‌ای می‌داند که بدین معناست: «مبالغة في لم يرها أي: لم يقرب أن يراها، فضلاً عن أن يراها» (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳/۲۴۴) آیه «فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ



رَبَّتْ» نیز دارای تقدیم و تأخیر است و مراد رَبَّتْ و اهْتَزَّتْ است؛ زیرا ابتدا رویش (رَبَّتْ) اتفاق می‌افتد و سپس رشد و نمو (اهتزازت) حاصل می‌گردد (ابو عبیده، بی‌تا: ج ۱ / ۱۲).

۷. مجاز در احاله

سه مورد از انواع مجازی که ابو عبیده نام برده است به گونه‌گونی اسالیب عرب در اسناد و ارجاع اشاره دارد و در معرفی همه این موارد ابو عبیده از فعل «يُحَوِّلُ» یا «حَوِّلُ» استفاده کرده است.

الف) احاله خبر به سبب شیء

گاهی به جای آن که خبر ناظر به خود اسم باشد ناظر به سبب آن می‌شود. «مجاز ما يحول خبره الى شيء من سببه و يترك خبره» مثلاً در آیه «إِنْ نَشَأْ نُزَلِّ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (شعراء/۴) به جای این که خبر ناظر به «اعناق» بیاید متناسب با «هم» در اعناقهم آمده است (المصدر السابق: ج ۲/۸۳).

ب) احاله فعل به مفعول

فعل در اصل باید به فاعل نسبت داده شود اما گاه به مفعول یا غیر آن نسبت داده می‌شود. این هم یکی از انواعی است که ابو عبیده مجاز در احاله دانسته است. در آیه «مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ» (قصص/۷۶) فعل، «تنوء» به جای فاعل، «العصبة»، به مفعول، «مفاتيح»، اسناد داده شده است (نک: ابو عبیده، بی‌تا: ج ۱/۱۲۱).

احاله معنای ناظر به مفعول، به فاعل

گاه براساس معنا، مفعول مورد نظر است اما در کلام این معنا به فاعل نسبت داده شده است. در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ» (بقره/۱۷۱) کافران مانند گوسفند (منعوق) دانسته شده‌اند اما چوپان «الذی ینعق» ذکر شده است. مانند این که عرب می‌گوید: «اعرض الحوض على الناقة» و مراد از آن «تعرض الناقة على الحوض» است (ابو عبیده، بی‌تا: ج ۱/۱۲۱، ۶۳).

۸. مجاز در کار بست مصدر به جای اسم و صفت

یکی دیگر از انواع مجاز به کار رفتن مصدر به جای اسم و صفت است. در آیه «لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ...» (بقره/۱۷۷) برّ به جای اسم فاعل «بار» قرار گرفته است (ابو عبیده، بی‌تا: ج ۱ / ۱۲ و ۱۳، ۶۵، ۶۸). در آیه «أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا» نیز مصدر رتقا در معنای اسم مفعول «مرتوقتين» به کار رفته است (المصدر السابق: ج ۲/۳۶). این فن بعدها یکی از انواع مبالغه دانسته شد (درویش، ۱۴۱۵: ج ۱/۲۵۱).

۹. مجاز در کاربرد کنایات به جای اسم

گاه به جای اسم حرفی که کنایه از آن است به کار می‌رود مثلاً در آیه «إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ» (طه/۶۹) که ما در معنای اسم به کار رفته است پس مجاز آن چنین است «إِنَّ صَنِيعَهُمْ كَيْدُ سَاحِرٍ» (ابوعبیده، بی تا: ج ۱/۱۶).

۱۰. مجاز در انواع اختلاف قرائات

در میان انواع مجازی که ابوعبیده برشمرده، دو نوع مربوط به اختلاف قرائات است:

- اختلاف در لفظ بدون اختلاف در معنا

گاه ائمه قرائت لفظی را به دو صورت یا بیشتر خوانده‌اند اما این اختلاف موجب تفاوت معنا نمی‌شود. ابوعبیده ضمن نقل این که اهل مدینه آیه «فَبِمَ تُبَشِّرُونَ» را با کسر نون خوانده‌اند می‌گوید ابوعمر و گفته است که تبشرون را نمی‌توان اضافه کرد [مراد به ضمیر متکلم وحده است] مگر با نون کنایه مانند تبشرونی (ابوعبیده: ج ۱/۳۵۱).

در مورد «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (حمد/۴) ابوعبیده مالک را در صورتی منصوب می‌داند که «یاء» ندا در تقدیر گرفته شود. تعبیر «هذه حجة لمن نصب» نشان از تعلیل قرائت توسط وی دارد (المصدر السابق، ج ۱، ۲۲).

در باره جواز رفع و نصب در «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا...»<sup>۵</sup> (المصدر السابق: ج ۱/۱۶) و نیز در «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا...»<sup>۶</sup> (المصدر السابق: ج ۱/۱۶۵) رفع را به دلیل این که مبتدا برای خبر محذوف باشد و نصب را به دلیل این که منصوب به فعل مقدری باشد که «فَاجْلِدُوا» و «فَاقْطَعُوا» مفسر آن است، می‌داند. بعدها بخش وسیعی از تألیفات در زمینه قرائات به آوردن حجت برای قرائات مختلف اختصاص داده شد.

در آیه «إِنَّ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ» (طه/۶۳) ابوعبیده اشاره کرده که قاریانی چون ابوعمر و، عیسی و یونس آن را «إِنَّ هَذَيْنِ لَسَاحِرَانِ» خوانده‌اند (المصدر السابق: ج ۲/۲۱).

- اختلاف قرائت در لفظ با اختلاف در معنا

گاه ائمه قرائت یک لفظ در آیه را به دو گونه خوانده‌اند و این اختلاف به نحوی است که منجر به اختلاف در معنا هم می‌شود مثلاً در آیه «وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ» (سجده/۱۰) «ضَلَلْنَا» به صورت «ضَلَلْنَا»، برگرفته از «صَلَّ اللَّحْمَ» (بدبوشدن گوشت) هم قرائت شده است (ابوعبیده: ج ۲/۱۳۱). در آیه «وَأَذْكَرٌ بَعْدَ أُمَّةٍ» (یوسف/۱۲) نیز «أُمَّةٌ» به صورت «أُمَّه» (سکون میم) به معنای نسیان قرائت شده است (المصدر السابق: ج ۱/۳۱۳).

در انتها باید گفت ارجاع به آرای ابوعبیده در کتاب‌های قرائات نشان از صاحب‌نظر بودن وی در این زمینه دارد (سالم محیسن، ۱۴۱۷: ج ۲، ۷۵، ۲۹۳، ۲۴۸، ۳۱۷، ۲۴۸، ۳۶۱). ابوعبیده، ابوعمر و را داناترین افراد به قرائات و عربی می‌دانست و در زمینه قرائات از وی آرائی نقل کرده است (المصدر السابق: ج ۱، ۱۱۷، ۲۲۱، ۴۰۶، ۴۴۲، ۴۵۱، ۵۴۶، ۵۴۹، ج ۲، ۳۸).

## ۶. نتیجه‌گیری

برای دستیابی به ماهیت و کارکرد مجاز در مجازالقرآن ابوعبیده، علاوه بر تحلیل درون‌متنی، آگاهی از تحلیل برون‌متنی برای ارزیابی دقیق‌تر ضروری است. ابوعبیده در علوم مختلفی چون لغت، اخبار، فقه، تفسیر و حدیث صاحب‌نظر بوده و همین جامعیت، مجازالقرآن وی را اثری منحصر به فرد ساخته به گونه‌ای که در حوزه واژه‌پژوهی قرآن اثری پیشگام و در تبیین قرآن بر اساس اسالیب بیانی زبان عربی، نگاشته‌ای ممتاز است. مجازالقرآن بر آثار لغوی و تفسیری پس از خود تأثیرگذارده و مورد استناد بسیاری از لغویان، مفسران و محدثان قرار گرفته است.

تحلیل درون‌متنی نشان می‌دهد که مجاز در نظر ابوعبیده «انواع تعبیر و شیوه‌های بیان در آیات قرآن» است. از همین روست که وی پس از برشمردن ۳۶ نوع مجاز در قرآن می‌گوید «کلُّ هذا جائزٌ معروفٌ قد یتکلمون به» و برای اثبات این امر در سرتاسر کتاب به اشعار عرب و به میزان کم‌تری به نثر عربی استناد کرده است.

انواع متعدد مجازی که ابوعبیده برشمرده است را می‌توان در دسته‌های گوناگون مانند تبیین واژگان، تبیین صرفی و نحوی، تبیین بلاغی و سرانجام اختلاف قرائات گنجانند. انواع مجاز دسته دوم خود چهار قسم است: مجاز در موارد مربوط به دلالت لفظ از نظر مفرد یا جمع بودن؛ مجاز در موارد مربوط به مفرد، مثنی یا جمع آمدن خبر؛ مجاز در موارد مربوط به مذکر یا مؤنث بودن واژگان؛ مجاز در ادوات. این چهار قسم نیز انواعی فرعی دارد. اما انواع مجاز در تبیین بلاغی عبارتند از: مجاز مضمَر؛ حمل ویژگی‌های عقلاء بر حیوان و اشیاء؛ مجاز در آوردن خبر برای اسمی مثنی و صدق خبر بر یکی از آن دو؛ مجاز در خطاب؛ تأکید؛ مقدم و مؤخر؛ احاله؛ کار بست مصدر به جای اسم و صفت؛ کار بست کنایات به جای اسم. برخی از این انواع خود تقسیماتی فرعی دارد. ابوعبیده برای اختلاف

قرائت نیز دو قسم مجاز برشمرده است: اختلاف در لفظ بدون اختلاف در معنا؛ اختلاف قرائت در لفظ با اختلاف در معنا.

## پی‌نوشت‌ها

۱. فصلنامه مطالعات قرآنی، پاییز ۱۳۹۱، دوره ۳، شماره ۱۱
۲. برخی از این تک‌نگاری‌ها عبارتند از: کتاب النخيل، كتاب الإبل، كتاب العقارب، كتاب الإنسان (در موضوع انسان و حیوان)؛ كتاب اللجام، كتاب الرّحل، كتاب الدلو، كتاب السيف و... (در موضوع ابزارها) (نک: ابن ندیم، ۷۷ و ۷۸؛ سزگین، ج ۱، ۱۱۵-۱۱۷).
۳. با وجود این که سزگین آثار زیادی را در حوزه‌های مختلف به ابو عبیده نسبت داده، اما در تقسیم بندی عالمان، ابو عبیده را در زمره لغویان قرار داده است. این امر نیز می‌تواند نشان‌دهنده تخصص اصلی ابو عبیده، یعنی لغت‌شناسی، باشد (سزگین، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۱۱).
۴. برای نمونه بنگرید به آثار این مفسران: ثعلبی (م ۴۲۷) (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۵، ۲۰۸)؛ سمعانی (م ۴۸۹) (سمعانی، ۱۴۱۸: ج ۱، ۱۸۸)؛ ابن عطیه (م ۵۴۴) (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۱۰۶، ۴۲۴؛ ج ۲، ۵۴، ۴۲۵؛ ج ۳، ۵۱۴؛ ج ۵، ۱۰۱، ۲۲۴، ۳۴۶)؛ قرطبی (م ۶۷۱) (قرطبی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۷۰، ۸، ۷۹، ۹، ۱۶۴، ۲۹۹، ۱۵، ۱۴۷)؛ ابن کثیر (م ۷۴۷) (ابن کثیر الدمشقی، ۱۴۲۰: ج ۴، ۳۸۱، ۶، ۴۵۱)؛ ثعالبی (م ۸۷۵) (ثعالبی، ۱۴۱۸: ج ۱، ۴۸، ۸۶، ۳۳۳؛ ج ۵، ۳۴۶، ۴۶۵)؛ قاسمی (م ۱۳۳۳) (قاسمی، ۱۴۱۸: ج ۱، ۱۳۶؛ ج ۶، ۴۵۸، ۱۰۲)؛ عبده (م ۱۳۲۳) و رشید رضا (م ۱۳۵۴) (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ج ۷، ۲۹۱)؛ ابن عاشور (م ۱۳۹۳) (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ج ۱، ۳۹۶).
۵. طبری همه اقوال را با سند نقل می‌کند، اما قبل از بیان اقوال به عنوان مقدمه و یا پس از آن به عنوان جمع بندی، بدون ذکر نام گوینده از تعابیر گفته شده استفاده می‌کند.
۶. علاوه بر موارد پیشین، نک: ج ۲۴، ۶۰۵.
۷. به عنوان نمونه از سوره‌های مبارکه معارج با عنوان «سَأَلَ سَائِلٌ»، تکویر با عنوان «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» و اعلی با عنوان «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» یاد کرده است.
۸. در مجازالقرآن عناوین این ۴ سوره به ترتیب، ام‌الکتاب، بنی اسرائیل، ملائکه و مؤمن آمده است.
۹. برای نمونه‌های بیشتر نک: ابو عبیده، (بی‌تا): ج ۱، ۵۸، ۶۴، ۷۸، ۸۷، ۸۸، ۹۳، ۹۵، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۹، ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴...؛ ج ۲، ۲۹، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۸، ۶۳، ۶۹، ۷۵، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵ و ...

۱۰. انبیاء/۱۵

۱۱. انبیاء/۸۲

۱۲. حاقه/۴۷

۱۳. مراد از ادوات از نظر ابو عبیده همان چیزی است که سیوطی در الاتقان با عبارت «وَأَغْنِي بِالْأَدْوَاتِ الْحُرُوفَ وَمَا شَاكَلَهَا مِنَ الْأَسْمَاءِ وَالْأَفْعَالِ وَالظُّرُوفِ» از آن یاد کرده است و نوع چهارم اتقان را به آن اختصاص داده است (نک: سیوطی، ۱۳۹۴: ج ۲، ۱۶۶).

۱۴. برای نمونه های بیشتر نک: ابو عبیده، (بی تا): ج ۱، ۳۸، ۴۷، ۵۱، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۷۹، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۵، ۱۷۳، ۱۸۵، ۲۱۱، ۲۴۷، ج ۲، ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۸، ۷۱، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۹۳، ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۸۰، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۰۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۶۸، ۲۷۹

۱۵. نور/۲

۱۶. مائده/۳۸

## کتاب نامه

### قرآن

ابن اثیر/الجزری (۱۴۱۷). الكامل فی التاریخ، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.  
ابن الأنباری/عبدالرحمن (۱۴۰۵). نزهة الأدباء الألباء فی طبقات الأدباء، تحقیق: ابراهیم سامرائی، اردن، مکتبه الألمانار.

ابن العدیم/عمر بن أحمد بن هبة الله بن أبی جرادة العقیلی (م ۶۶۰هـ) [بی تا]. بغیة الطلب فی تاریخ حلب، محقق: سهیل زکار، (بی جا)، دارالفکر.

ابن تیمیة (۱۴۰۴). دقائق التفسیر الجامع لتفسیر ابن تیمیة، محقق: محمد السید، دمشق، مؤسسه علوم قرآن.  
ابن تیمیة (۱۴۱۶). الإیمان، تحقیق، محمد ناصر الدین الألبانی، اردن، المکتب الإسلامی.

ابن عاشور/محمد بن طاهر (۱۹۸۴). التحریر و التنویر، تونس، الدار التونسیة للنشر.  
ابن عطیة اندلسی/عبد الحق بن غالب (۱۴۲۲). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، محقق: عبد السلام عبد الشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة.

ابن قتیبة/عبدالله بن مسلم ([بی تا]). تأویل مشکل القرآن، تحقیق: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دارلکتب العلمیة.

ابن قتیبة/عبدالله بن مسلم (۱۳۹۸). غریب القرآن، تحقیق: احمد صقر، [بی جا]، دارالکتب العلمیة.

- ابن كثير الدمشقي / اسماعيل بن عمرو (١٤٢٠). تفسير القرآن العظيم، محقق: سامي بن محمد سلامة، بيروت، دارالطبعة للنشر و التوزيع.
- ابن نديم / ابوالفرج محمد بن اسحاق بن محمد الوراق البغدادي (١٤١٧). الفهرست، تحقيق: ابراهيم رمضان، بيروت، دارالمعرفة.
- أبو زهو / محمد محمد (١٣٧٨ق). الحديث والمحدثون، قاهرة، دارالفكر العربي.
- أبو عبيدة، معمر بن مثنى التيمي [إبي تا]. مجاز القرآن، تحقيق: محمد فؤاد سزكين، قاهرة: مكتبة الخانجي.
- الباباني البغدادي / اسماعيل بن احمد [إبي تا]. هديته لعارفين اسماء المؤلفين وآثار المصنفين، استانبول، وكالة المعارف الجليلية.
- بكري / حسين بن محمد بن الحسن الديار [إبي تا]. تاريخ الخميس في أحوال انفس النفيس، بيروت: دارصادر.
- پاکتچی / احمد (١٣٩٢). فقه الحديث (با تکیه بر مسائل لفظی)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- الثعالبي الجعفری / محمد بن الحسن (١٤١٦ق). الفكر السامي في تاريخ الفقه الإسلامي، بيروت، دارالکتب العلمیة.
- ثعالبي / ابوزيد (١٤١٨). الجوهر الحسان في تفسير القرآن، تحقيق: شيخ محمد علي معوض، بيروت، دارالإحياء التراث العربي.
- ثعلبي / أحمد بن محمد بن إبراهيم (١٤٢٢). الكشف والبيان عن تفسير القرآن، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
- جاحظ / عمرو بن بحر (١٤٢٤). الحيوان، بيروت، دارالکتب العلمیة.
- جصاص الحنفي / ابوبكر (١٤٠٥). احكام القرآن، محقق: محمد صادق القمحاوي، بيروت، داراحياء التراث العربي.
- حاجي خليفه (١٩٤١). كشف الظنون عن أسامي الكتب الفنون، بغداد، مكتبة المثنى.
- حبنكة الميداني / عبد الرحمن بن حسن (١٤١٦ق). البلاغة الواضحة، بيروت - دمشق، دارالقلم - دارالشامية،
- خطيب بغدادی (١٩٨٥). تلخيص المتشابه في الرسم، تحقيق: سكين الشهابي، دمشق، طلاس للدراسات و الترجمة و النشر.
- داوودي / شمس الدين [إبي تا]. طبقات المفسرين، بيروت، دارالکتب العلمیة.
- درويش، محي الدين (١٤١٥). اعراب القرآن الكريم و بيانه، سوريه، الارشاد.
- ذهبي / شمس الدين (١٤٢٧ق). سير اعلام النبلاء، قاهرة، دارالحديث.
- رشيد رضا (١٩٩٠م). تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، مصر، لهيئة المصرية العامة للكتاب.
- زجاج / ابو اسحاق (١٤٠٨). معاني القرآن و اعرابه، تحقيق: عبد الجليل عبده شلبي، بيروت، عالم الكتاب.

بررسی و تحلیل ماهیت و کارکرد مجاز در مجازالقرآن ابوعبیده ... ۵۳

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی.

سالم محیسن / محمد محمد (۱۴۱۷). الهادی شرح طیبیه النشر فی القرائات العشر، بیروت، دار الجیل.  
سزگین، فؤاد / (۱۴۱۲). تاریخ التراث العربی، ترجمه: محمود فهمی حجازی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

سمعانی / أبوالمظفر (۱۴۱۸). تفسیر القرآن، محقق: یاسر بن ابراهیم، ریاض، دار الوطن.  
سندی / ابو طاهر (۱۴۱۵). صفحات فی علوم القرائات، [بی جا]، المكتبة الإمدادیة.  
سیرافی / ابو سعید (۱۳۷۳). أخبار النحویین البصریین، طبعه محمد الزینی، قاهره، مصطفى البابی الحلبی.  
سیوطی / جلال الدین (۱۳۹۴). الإتقان فی علوم القرآن، المحقق: محمد أبو الفضل ابراهیم، هیئة المصریة العامه للکتاب.

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶). تلخیص البیان فی مجازات القرآن، تصحیح: حسن محمد عبدالغنی، بیروت، دار الأضواء.

طبری / ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی (۱۴۲۰). جامع البیان فی تأویل القرآن، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة.  
عسکری / ابو هلال (۱۴۰۸). الأوائل، طنطا، دار البشیر.

قاسمی / جمال الدین (۱۴۱۸). محاسن التأویل، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیة.

قرطبی / أبو عبدالله (۱۳۸۴). الجامع لأحكام القرآن، تحقیق: أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش، القاهرة، دار الکتب المصریة.

قلقشندی / احمد بن علی بن احمد [بی تا]. صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، نحاس / ابو جعفر (۱۴۲۱)، اعراب القرآن، محقق: عبد المنعم خلیل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیة.  
نیل ساز / نصرت (۱۳۹۳ش). خاورشناسان و ابن عباس، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.  
یاسوف، احمد (۱۴۲۷ق). دراسات فنیة فی القرآن الکریم، دمشق، دارالمکتبی.